



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

بررسی مؤلفه رافت و عشق در ۲۲ شعر محمدرضا شفیعی کدکنی

باتوجه به نظریه مثبت اندیشی مارتین سلیگمن

مریم سامانلو^۱

چکیده

روانشناسی مثبت نگر که توسط مارتین سلیگمن، روان شناس آمریکایی، مطرح شده است به انسان کمک می کند تا با وجود سختی ها و تاریکی ها، به جنبه های مثبت زندگی توجه کند و امید خود را از دست ندهد و معتقد است که با پرورش این ویژگی ها می توان به خوشبختی و سعادت حقیقی دست یافت. این نظریه شامل ۶ فضیلت همه جا حاضر است که در این پژوهش فضیلت «رافت و عشق» در ۲۲ شعر محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر معاصر، مورد بررسی قرار گرفت. باید گفت این فضیلت در تاروپود اشعار شفیعی کدکنی تنیده شده و شاعر با ظرافتی ستودنی رنج، ستم، بی عدالتی و ظلم را به تصویر می کشد و درعین حال مهربانی و عشق را به عنوان راه رهایی از این تاریکی ها معرفی می کند. با واکاوی در دو دفتر شعر «آینه ای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» از این شاعر نامدار، می توان گفت فضیلت رافت و عشق در دفتر شعر «آینه ای برای صداها» مشهودتر و ملموس تر است.

1

کلمات کلیدی

نظریه مثبت اندیشی، مارتین سلیگمن، شفیعی کدکنی، رافت و عشق

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مقدمه

محمدرضا شفیعی کدکنی متخلص به م. سرشک در سال ۱۳۱۸ در روستای کدکن در نزدیکی نیشابور دیده به جهان گشود. او از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است و آثار ارزشمند و ماندگاری در زمینه‌های مختلف شعر، ادبیات، تصحیح متون و ترجمه خلق کرده است. این شاعر نامدار در آثار خود به مفاهیم عمیق انسانی همچون رافت و عشق می‌پردازد. مارتین سلیگمن، پدر علم مثبت‌اندیشی، با طرح نظریه روان‌شناسی مثبت معتقد است که تمرکز بر نقاط قوت انسان، شادکامی و خوشبختی را به ارمغان می‌آورد. او با تحقیقات و نظریات خود دریچه‌ای نو به سوی درک شادی، خوشبختی و سلامت روان گشوده است. نظریه مثبت‌اندیشی او به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان کمک کرده است تا زندگی شادتر و رضایت‌بخش‌تری داشته باشند. پژوهش حاضر سعی دارد فضیلت رافت و عشق را بر اساس نظریه مثبت‌اندیشی مارتین سلیگمن در دو دفتر شعر محمدرضا شفیعی کدکنی بررسی کند.

سؤال تحقیق

2

اشعار شفیعی کدکنی به چه میزان بافضیلت رافت و عشق در روان‌شناسی مثبت مارتین سلیگمن تطابق دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد و معیار آن نظریه مثبت‌اندیشی مارتین سلیگمن است که اشعار شفیعی کدکنی بر اساس آن تحلیل می‌شود.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش و بررسی متون ادبی زبان فارسی با تأکید بر زمینه مثبت‌اندیشی مارتین سلیگمن، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. در پژوهش «کسب رضایتمندی در مثنوی مولوی با رویکرد نظریه مثبت‌گرایی سلیگمن»، (اصغری مهر و همکاران، ۱۴۰۱) دریافته‌اند که مثنوی و روان‌شناسی برای عبور از آسیب‌هایی که در شرایط بحرانی ایجاد می‌شود می‌تواند به صورت عملیاتی، سازگاری و عملکرد انسان را پیش‌بینی کند و در حل مسئله او را یاری رساند.

۲. در پژوهش «مطالعه شاخصه‌های نظریه بهزیستی در غزلیات شمس بر پایه روان‌شناسی مثبت‌نگر سلیگمن»، (صفری و همکاران، ۱۴۰۰) نشان داده‌اند که در غزلیات شمس از بین ۶ فضیلت روان‌شناسی مثبت، رافت و عشق از بین دیگر فضیلت‌ها بسامد بیشتری دارند.

۳. در پژوهش «بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن»، (ترکمانی و همکارش، ۱۳۹۸) سیاوش را نگینی بر حلقه قهرمانان شاهنامه می‌دانند که هر ۶ فضیلت نظریه مثبت‌اندیشی را در عالی‌ترین درجه داراست.

ISC^{CM}
International Science Citation CenterOxford Cert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

۴. در پژوهش «تأثیر مولفه‌های عشق و امید بر نگرش خوش‌بینانه عطار باتوجه‌به نظریه مارتین سلیگمن»، (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱) با مطالعه و بررسی اشعار عطار، بهترین راهکار روانکاو برای درمان دردهای مادی بشر را درک عوالم معنوی دانسته‌اند.

۵. در پژوهش «بازتاب مولفه‌های نظریه سلیگمن در آثار فروغ فرخزاد»، (سپهری، ۱۴۰۰) دریافته است که در بین تمامی مولفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر، عشق بیش از سایرین در شعر فروغ جلوه‌گر شده است. بعد از آن نیاز به آزادی، عدالت و آرمان‌طلبی در مرتبه‌های بعدی به چشم می‌خورد.

۶. در پژوهش «هشت کتاب سهراب سپهری و مثبت‌اندیشی از منظر سلیگمن»، (ثامنی کیوانی و همکارش، ۱۴۰۱) اثبات کرده‌اند که بسیاری از مولفه‌های موردنظر سلیگمن با هشت کتاب سهراب سپهری تناسب و سازگاری دارد.

بیان مسئله

3

مارتین سلیگمن به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه مثبت‌اندیشی به‌جای تمرکز بر اختلالات و بیماری‌های روانی، بر توانمندی‌های انسان تأکید و تمرکز دارد.

سلیگمن معتقد است پس از جنگ جهانی دوم روان‌شناس با درمان بیماری‌های روانی مترادف شد و از جنبه مثبت زندگی غفلت کرده است. حال آنکه روان‌شناسی علمی برای ساختن یک زندگی خوب است؛ زندگی خوب، استفاده هرروزه از قابلیت‌ها و فضیلت‌ها به‌منظور ایجاد شادی اصیل است. شادی یک عامل مؤثر در طول عمر، بهبود سلامتی و افزایش بهره‌وری است و افراد شاد نه تنها درد را بهتر تاب می‌آورند؛ بلکه هیجانات منفی را هم بی‌اثر می‌سازند.

این نظریه ۶ فضیلت اساسی را در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از:

- ✓ خرد و دانش
- ✓ شجاعت
- ✓ رافت و عشق
- ✓ عدالت
- ✓ میانه‌روی
- ✓ معنویت و تعالی

این فضیلت‌ها باید سه ویژگی اصلی زیر را داشته باشند:

۱. تقریباً در تمام فرهنگ‌ها بارزش تلقی شوند.

۲. به‌خودی‌خود بارزش باشند نه به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهدافی دیگر.

۳. انعطاف‌پذیر باشند.

راه‌های متعددی برای رسیدن به هر یک از این فضیلت‌ها وجود دارد که سلیگمن این راه‌ها را "قابلیت" می‌نامد.



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

در دیدگاه مثبت‌اندیشی مارتین سلیگمن، رافت و عشق از جمله مهم‌ترین مولفه‌های خوشبختی و شادکامی هستند. این فضیلت به انسان کمک می‌کند تا با دیگران و دنیای اطراف خود ارتباط عمیق‌تری برقرار کند، معنای عمیق‌تری در زندگی بیابد و از فراز و نشیب‌های زندگی با امیدواری عبور کند. مهربانی، قدرشناسی، بخشش، هوش اجتماعی، دوراندیشی، خلاقیت، شوخ‌طبعی، جذابیت، انصاف، خودکنترلی، احتیاط و تواضع قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند منشأ عشق شوند. (سلیگمن، ۱۴۰۱: ۲۶۶)

4

قابلیت‌ها	فضیلت‌ها
کنجکاوی / علاقه به جهان	خرد و دانش
عشق به یادگیری	
قضاوت / تفکر انتقادی / روشنفکری	
ابتکار / نوآوری / هوش عملی / کارکشتگی	
هوش اجتماعی / هوش شخصی / هوش هیجانی	
روشن‌بینی	
دلیری و بی‌باکی	شجاعت
پشتکار / کوشایی / کوشش پیوسته	
راستی / صداقت / درستکاری	
مهربانی و سخاوت	رافت و عشق
دوست‌داشتن و اجازه‌دادن به خود برای دوست داشته شدن توسط دیگران	
شهروندی / وظیفه / کارگروهی / وفاداری	عدالت
انصاف و برابری	
رهبری	
خودکنترلی	میان‌رویی
دوراندیشی / بصیرت / احتیاط	
تواضع و فروتنی	
درک زیبایی و کمال	تعالی
قدردانی	
امید / خوش‌بینی / آینده‌نگری	
معنویت / حس هدفمندی / ایمان / مذهبی بودن	
بخشش و گذشت	
نشاط و شوخ‌طبعی	
جذابیت / شور / اشتیاق	

پژوهش حاضر سعی دارد فضیلت «رافت و عشق» و قابلیت‌های آن یعنی: الف) مهربانی و سخاوت



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

ب) دوست داشتن و اجازه دادن به خود برای دوست داشته شدن توسط دیگران را، در ۲۲ شعر شفيعی کدکنی از دو دفتر شعر «آيينه‌ای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» بررسی کند.

۱- دفتر شعر «آيينه‌ای برای صداها»

۱-۱

به جان جوشم که جویای تو باشم

خسی بر موج دریای تو باشم

تمام آرزوهای منی کاش

یکی از آرزوهای تو باشم (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۵)

مهربانی و سخاوت: شاعر با محبوب خویش مهربان است و سخاوتمندانه از غرور خود دست کشیده و هرچه هست، محبوب است.

5

دوست داشتن و دوست داشته شدن: او در پی محبوب است و دوست داشتن محبوب در کلام او مشهود است. شاعر حتی در این دوست داشتن خودش را به اندازه خسی کوچک می‌شمارد و از منیت خود دست کشیده است. محبوب آرزوی اوست و در مصراع پایانی به وضوح اشاره می‌کند که مایل است توسط دیگری دوست داشته شود.

۲-۱

نای عشقم، تشنه لب‌های تو

خامشم دور از تو و آوای تو

همچو باران از نشیب دره‌ها

می‌گریزم خسته در صحرای تو

موجکی خُردم به آمیدی بزرگ

می‌روم تا ساحل دریای تو

هوکشان همچون گوزن کوهسار

می‌دوم هر سوی، ره پیمای تو

مست همچون بره‌ها و گله‌ها

می‌چرم با نغمه‌هی جای تو

مستم از یک لحظه دیدارت هنوز

وه چه مستی‌هاست در صهبای تو!

زندگانی چیست؟ - لفظ مهملی

گر بماند خالی از معنای تو (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۲)



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: مهربانی محبوب در نظر شاعر تا حدی است که خود را باران می‌داند و در نهایت خستگی به محبوب که همچون صحراست، پناه می‌برد.
دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: می‌توان گفت شفיעی کدکنی از دوست‌داشتن فراتر رفته و به قول خودش، تشنه محبوب است و زندگی در دوری محبوب برای او، چیزی جز خاموشی نیست و خود را موج کوچکی می‌داند که امیدی بزرگ در دل دارد و آن امید همان ساحل دریای محبوب است. او هر لحظه در تمنای محبوب می‌پوید و با کوچک‌ترین نغمه دوست داشته شدن از سوی او مست می‌شود! به تعبیر شاعر، محبوب باده‌ای است که مدت‌ها می‌توان مست او بود. در نهایت زندگی بدون محبوب بیهوده و بی‌معناست.

۳-۱

در شب من خنده خورشید باش
آفتاب ظلمت تردید باش
ای همای پریشان در اوج‌ها
سایه عشق منی جاوید باش
ای صبحی بخش می‌خواران عشق!
در شبان غم صباح عید باش
آسمان آرزوهای مرا
روشنی خنده ناهید باش
با خیالت خلوتی آراستم

خود بیا و ساغر امید باش (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۵)

مهربانی و سخاوت: زندگی شاعر به شبی تیره تشبیه شده که مهر و لبخند محبوب همچون خورشیدی، تیرگی‌ها و تردیدها را می‌زداید.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او برای این عشق، آرزوی جاودانگی می‌کند و محبوب را دلیل روشنایی و امید می‌داند.

۴-۱

دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
وین دردِ نهان سوز نهفتن نتوانم
تو گرم سخن گفتن و از جام نگاهت
من مست چنانم که شنفتن نتوانم
شادم به خیالِ تو چو مهتابِ شبانگاه
گر دامنِ وصلِ تو گرفتن نتوانم



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

با پرتو ماه آیم و چون سایه دیوار
گامی ز سر کوی تو رفتن نتوانم
دور از تو، من سوخته در دامن شبها
چون شمع سحر یک مژه خفتن نتوانم
فریاد ز بی‌مهری‌ات ای گل که درین باغ

چون غنچه پاییز شکفتن نتوانم ای چشم سخن‌گوی تو بشنو ز نگاهم
دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۶)

مهربانی و سخاوت: شاعر محبوب را به بی‌مهری متهم می‌کند و از این بی‌مهری گله‌مند است.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او به قدری محبوب را دوست دارد که نه می‌تواند این عشق را بیان کند و نه می‌تواند آن را درون خود پنهان کند. او امیدی به وصال ندارد و در دوری محبوب حتی یک لحظه خواب به چشمش نمی‌آید. می‌توان گفت دوست‌داشتن شاعر در این شعر مشهود است اما نشانی از دوست داشته شدن توسط محبوب دیده نمی‌شود.

۵-۱

بی‌قرارت چو شدم رفتی و یارم نشدی
شادی خاطر اندوه گزارم نشدی
تا ز دامن شبم صبح قیامت ندیدم
با که گویم که چراغ شب تارم نشدی
صدف خالی افتاده به ساحل بودم
چون گهر زینت آغوش و کنارم نشدی
بوته خار کویرم همه تن دست نیاز
برق سوزان شو اگر ابر بهارم نشدی
از جنون بایدم امروز گشایش طلبید

که تو ای عقل به جز مشکل کارم نشدی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۰)

مهربانی و سخاوت: شاعر به جای سرزنش و خشم، با لحنی دلسوزانه از محبوب خود می‌خواهد که بازگردد و تاریکی و غم را از او دور کند. این نشان از مهربانی شاعر دارد که حتی در اوج غم و اندوه، حاضر به آزار محبوب خود نیست و او را درک می‌کند.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: درحالی‌که شاعر سراپا نیاز است، محبوب دوست‌داشتن را از او دریغ کرده است؛ اما شاعر همچنان او را دوست دارد. او صراحتاً عشق خود را بیان می‌کند و می‌گوید که با رفتن محبوب، دیگر شادمانی در قلبش وجود ندارد و گویی تاریکی شب بر او سایه افکنده است.

۶-۱

گر به گلگشت چمن می‌روی از من یاد آر



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

زین گرفتار قفس ای گل گلشن یاد آر

زان که یک عمر به پاداش وفاداری برد

لاله حسرت ازین باغ به دامن یاد آر

هر زمان برق نگاهت زند آتش به دلی

ای گلناز ازین سوخته خرمن یاد آر

چون هلالم سر شوریده به زانوی غم است

از شب تار من ای کوکب روشن یاد آر

ای که بی لاله ی داغ تو بهارم نشکفت

گر به گلگشت چمن می روی از من یاد آر (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۷)

مهربانی و سخاوت: نشانه های بی مهری محبوب در این شعر دیده می شود.

دوست داشتن و دوست داشته شدن: شاعر در حالی که سرشار از دوست داشتن محبوب است، از او تمنا می کند که او را

از یاد نبرد.

۷-۱

خلوت نشین خاطر دیوانه منی

افسونگری و گرمی افسانه منی

بودیم با تو همسر عشق سالها

ای آشنا نگاه که بیگانه منی

هر چند شمع بزم کسانی ولی هنوز

آتش فروز خرمن پروانه منی

چون موج سر به صخره غم کوفتم ز درد

دور از تو ای که گوهر یکدانه منی

خالی مباد ساغر نازت که جاودان

شورافکنی و ساقی میخانه منی

آنجا که سرگذشت غم شاعران بود

نازم تو را که گرمی افسانه منی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۸)

مهربانی و سخاوت: شاعر از روی مهر، محبوب بیگانه را آشنای خود می داند.

دوست داشتن و دوست داشته شدن: شفیی کدکنی محبوب را تا حدی دوست دارد که او را «گوهر یکدانه خود»

خطاب می کند. او معتقد است این عشق باعث جاودانگی نام او می شود.

۸-۱



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

9

صد خزان افسردگی بودم بهارم کرده‌ای
تا به دیدارت چنین امیدوارم کرده‌ای
پای تا سر می‌تپد دل، کز صفای جان، چو اشک
در حریم شوق‌ها، آینه دارم کرده‌ای
در شب نومیدی و غم، همچو لبخند سحر
روشنایی‌بخش چشم‌انتظارم کرده‌ای
در شهادتگاه شوق، از جلوه‌ای آینه وار
پیش روی انتظارت، شرمسارم کرده‌ای
می‌تپد دل چون جرس با کاروان صبر و شوق
تا به شهر آرزوها رهسپارم کرده‌ای
زودتر بفرست ای ابر بهاری زودتر
جلوهٔ برقی که امشب نذر خارم کرده‌ای
نیست در کنج قفس شوق بهارنم به دل
کز خیالت صد چمن گل در کنارم کرده‌ای (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۰)

مهربانی و سخاوت: امید به مهر محبوب، شاعر را زنده کرده است تا جایی که می‌گوید این امیدواری، خزان افسردگی او را بهار کرده است.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او با دوست‌داشتن محبوب رهسپار شهر آرزوها شده است و او را ابر بهاری می‌نامد که به زندگی اش روشنایی و شوق بخشیده است.

۹-۱

شد مدتی و یاد تو شد همنشین مرا
دارد وفای او همه‌جا شرمگین مرا
جز داغ او که گرم گرفته است با دلم
یک تن نداشت پاسِ محبت چنین مرا
فیضِ وصالِ یار به تردامنان رسد
این ماجرا ز شبنم و گل شد یقین مرا
آن خارِ خشکِ سینۀ دشتم که فیضِ ابر
نسترد گردِ حسرت و غم از جبین مرا
کردی به‌سان قامتِ فواره‌ام نگون
ای همت بلند زدی بر زمین مرا (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۵)



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: محبوب به قدری بی مهر است که شاعر محبت داغی که بر دل دارد را به رخ او می کشد و معتقد است یاد محبوب از خود او وفادارتر است.

دوست داشتن و دوست داشته شدن: محبوب وصال با تردامنان را به وصال با شاعر ترجیح داده است؛ درحالی که شاعر در فراق او پر از حسرت و غم است.

۱۰-۱

من می روم ز کوی تو و دل نمی رود
این زورق شکسته ز ساحل نمی رود
گویند دل ز عشق تو بگیرم، ای دریغ
کاری که خود ز دست من و دل نمی رود!
گر بی تو سوی کعبه رود کاروان ما
پیداست آن که جز ره باطل نمی رود
در جست و جوی روی تو هرگز نگاه من
بی کاروان اشک ز منزل نمی رود
خاموش نیستم که چو طوطی و آینه
آن روی روشنم ز مقابل نمی رود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۶)

مهربانی و سخاوت: شاعر اذعان دارد که حتی اگر خود نیز قصد ترک محبوب را داشته باشد، «دل» از مهر محبوب پاک نخواهد شد.

دوست داشتن و دوست داشته شدن: او نمی تواند عشق محبوب را از دل بیرون کند و معتقد است هر راهی که مقصدش عشق نباشد، بیراهه است. شاعر در پی وصال محبوب است و اشک از دیدگانش روان.

۱۱-۱

باز از جنون عشق به کوی تو آمدم
بیگانگی مکن که به بوی تو آمدم
در بر رخم مبند که همچون نگاه شوق
با کاروان اشک به سوی تو آمدم
از شهر بند عقل به سرمزل جنون
این سان به شوق دیدن روی تو آمدم
از رفته عذر خواه و ز آینده بیمناک
آشفته تر ز حلقه موی تو آمدم
مانند اشک دور ز دیدار مردمان
با سر دویده تا سر کوی تو آمدم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۷)



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: شفیع کدکنی در آرزوی مهر محبوب است و شوق دیدن روی او را دارد.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او از شدت دوست‌داشتن محبوب دچار جنون شده است؛ اما محبوب با او بیگانگی

می‌کند.

۱۲-۱

آن روز که در عشق سرانجام بمیرم

مپسند که دل‌داده ناکام بمیرم

آیا بود ای ساحل امید که روزی

چون موج در آغوش تو آرام بمیرم؟

چون شب‌نم گل‌ها سحر از جلوه خورشید

در پرتو روی تو سرانجام بمیرم

آن مرغک آزرده عشقم که روا نیست

در گوشه افسرده این دام بمیرم

مپسند که در گوشه تنهایی و غم‌ها

چون شمع، عیان سوزم و گمنام بمیرم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۲)

مهربانی و سخاوت: محبوب نسبت به شاعر بی‌مهر است و او از محبوب می‌خواهد تنهایی و ناکامی را برای او نپسندد.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او در آرزوی این است که روزی به وصال محبوب برسد؛ اما در اوج ناامیدی و

غمگینی است و از محبوب تمنا می‌کند او را در افسردگی و تنهایی رها نکند.

۱۳-۱

از کنار من افسرده تنها تو مرو

دیگران گر همه رفتند خدا را تو مرو

اشک اگر می‌چکد از دیده، تو در دیده بمان

موج اگر می‌رود ای گوهر دریا تو مرو

ای نسیم از بر این شمع مکش دامن ناز

قصه‌ها مانده من سوخته را با تو مرو

ای قرار دل طوفانی بی‌ساحل من

بهر آرامش این خاطر شیدا تو مرو

سایه بخت منی از سر من پای مکش

به تو شاد است دل خسته خدا را تو مرو

ای بهشت نگهت مایه الهام سرشک

از کنار من افسرده تنها تو مرو (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۶)

ISC^{CM}
International Science Citation CenterOxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: شاعر محبوب را منشأ آرامش، شادی و الهام می‌داند؛ اما او با بی‌مهری تمام قصد رفتن دارد.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: شاید بتوان گفت شاعر در این شعر از شدت علاقه به معشوق، در مستأصل‌ترین

حالت خود قرار دارد و حتی او را به خداوند متعال سوگند می‌دهد که رفتن را انتخاب نکند؛ اما محبوب با وجود تمام این

احساسات پاک و تشبیهات عاشقانه، نشانی از دوست‌داشتن شاعر ندارد.

۱۴-۱

مگذر از من ای که در راه تو از هستی گذشتم

با خیال چشم مستت از می و مستی گذشتم

دامن گلچین پر از گل بود از باغ حضورت

من چو باد صبح از آنجا با تهی‌دستی گذشتم

من از آن پیمان که با چشم تو بستم سال پیشین

گر تو عهد دوستی با دیگری بستی گذشتم

چون عقابی می‌زنم پَر در شکوه بامدادان

من که با شهبال همت زین همه پستی گذشتم

پاک‌بازی همچو من در زندگی هرگز نبینی

مگذر از من ای که در راه تو از هستی گذشتم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۸)

مهربانی و سخاوت: شفییعی کدکنی دیگری را بر خواست‌ها و نیازهای خود ترجیح داده، از خود عبور کرده و در راه

محبوب از همه هستی خود گذشته است.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: شاعر از محبوب تمنا می‌کند که از او نگذرد و او را دوست داشته باشد.

۱۵-۱

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

بیداری ستاره در چشم جویباران

آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل

لبخند گاهگهات صبح ستاره‌باران

باز آ که در هوایت، خاموشی جنونم

فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز

کاین‌گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

گفتی: به روزگاران مهری نشسته گفتم

بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران

ISC^{CM}
International Science Citation CenterOxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا مپرهیز

زین عاشق پشیمان سرخیل شرمساران

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند

دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند

تا در زمانه باقی ست آواز بادوباران (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۶۵)

مهربانی و سخاوت: شاعر در اشعار بالا مهربانی را فقط برای خود نمی‌داند؛ او محبوبي دارد که از همه چیز در این دنیا مهربان‌تر است و لبخند گاهگاه محبوب یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های این مهربانی است. او معتقد است پس از گذشت روزگاران چیزی جز مهر از ما باقی نخواهد ماند و می‌توان گفت تنها نغمه مهربانی است که می‌ماند.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: شاعر محبوبش را به حدی دوست دارد که اگر او نباشد، دچار خاموشی جنون می‌شود! همچنین از محبوب نیز تقاضای دوست داشته شدن دارد و از او می‌خواهد که از عشق پرهیز نکند.

۱۶-۱

هر چند امیدی به وصال تو ندارم

یک‌لحظه رهایی ز خیال تو ندارم

ای چشمه روشن منم آن سایه که نقشی

در آینه چشم زلال تو ندارم

می‌دانی و می‌پرسیم ای چشم سخنگوی

جز عشق جوابی به سؤال تو ندارم

ای قمری هم نغمه درین باغ پناهی

جز سایه مهر پروبال تو ندارم

از خویش گریزانم و سوی تو شتابان

با این همه راهی به وصال تو ندارم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۶۷)

مهربانی و سخاوت: شفیی کدکنی در پاسخ به هر سؤال محبوب، عشق را به‌عنوان پاسخ مطرح می‌کند. او اشاره می‌کند در دنیا پناهی جز مهر محبوب ندارد.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او عاشقانه محبوب را دوست دارد و حتی یک‌لحظه از خیال او رها نیست. شاعر به سمت محبوب شتابان است؛ اما امیدی به دوست داشته شدن توسط محبوب ندارد چنانچه به طور واضح می‌گوید امیدی به وصال ندارد.

۱۷-۱

نتوانم به تو پیوستن و نی از تو گسستن

نه ز بند تو رهایی نه کنار تو نشستن



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

ای نگاه تو پناهم! تو ندانی چه گناهی
خانه را پنجره بر مرغک طوفان زده بستن
تو مده پندم از این عشق که من دیر زمانی
خود به جان خواستم از دام تمنای تو رستن
دیدم از رشته جان دست گسستن بود آسان
لیک مشکل بود این رشته مهر تو گسستن
امشب اشک من آزرده و خدا را که چه ظلمی ست
ساقه خرم گلدان نگاه تو شکستن
سوی اشکم نگهت گرم خرامید و چه زیباست
آهوی وحشی و در چشمه روشن نگرستن (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۶۹)

مهربانی و سخاوت: شاعر معتقد است از جان می توان دست کشید؛ اما از مهر محبوب دست کشیدن محال است.
دوست داشتن و دوست داشته شدن: شاعر هرگز نمی تواند از دوست داشتن محبوب صرف نظر کند؛ اما راهی برای
پیوستن به او نیز پیدا نمی کند. او نمی تواند محبوب را تمنا نکند.

۱۸-۱

در یاد منی حاجت باغ و چمنم نیست
جایی که تو باشی خبر از خویشتنم نیست
اشکم که به دنبال تو آواره شوقم
یارای سفر با تو و رای وطنم نیست
این لحظه چو باران فروریخته از برگ
صد گونه سخن هست و مجال سخنم نیست
بدرود تو را انجمنی گرد تو جمع اند
بیرون ز خودم، راه در آن انجمنم نیست
دل می تپدم باز، در این لحظه دیدار
دیدار، چه دیدار؟ که جان در بدنم نیست
بدرود و سفر خوش به تو، آنجا که رهایی ست
من بسته دامم ره بیرون شدنم نیست
در ساحل آن شهر تو خوش زی که من اینجا
راهی به جز از سوختن و ساختنم نیست
تا باز کجا موج به ساحل رسد، آن روز
روزی که نشانی ز من، الا سخنم نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۷۱)



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: شاعر برای محبوبش آرزوی زندگی آزاد و خوشی دارد، حال آنکه خودش راهی جز سوختن و ساختن ندارد و این نمونه‌ای از مهر او به محبوب است.
دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او چنان در یاد محبوب است که از خود بی‌خبر شده و در لحظه دیدار با محبوب جان از تنش رفته است.

۲- دفتر شعر «هزاره دوم آهوی کوهی»

۱-۲

عشق یک واژه نیست؛ یک معناست

نردبانی به عالم بالاست

مرگ، با زندگی، گره چون خورد

عشق، در عمق آینه پیداست

هنر مردن است آیا عشق

که چنین جادوانه و زیباست؟

مردن و باز زیستن در مرگ

راستی را که حالتی والاست!

واژه‌ای مبهم است و بی‌معنی

لیک تنها تجلی معناست

ورطه‌ای جاودانه بهر سقوط

که سقوطش عروج بر بالاست

ساختن ایزدی ز همچو خودی

جاودان کردن هوا و هباست

عشق، آغاز می‌شود با تن

به کجا می‌رسد؟ خدا داناست!

خود عبوری ست از در ممنوع

آن دری که حضور در فرداست

بی‌زمان است این جزیره عشق

گرچه در عرصه زمان پیداست

گل سرخی که صبح رستاخیز

مایه مستی مشام خداست

حسد و رشک آتش افروزش

ISC^{CM}
International Science Citation CenterOxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

زندگی بخش آن تحمل هاست

عادت و ابتذال دشمن اوست

که رسیدن در آن، تباهی ماست

عشق، جان آفریدن است از تن

گرچه پایان آن تنی تنهاست

عطشی بهر نیم زادِ نهران

که رسیدن به او تمنی ماست

عشق، گم کردن من و تو و اوست

هرچه گم کرده‌ای همه آن جاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۹۱)

مهربانی و سخاوت: شاعر تعریف زیبایی از مهر و عشق دارد و آن را معنایی متعالی می‌داند که دشمنِ عادت و ابتذال

است و رسیدن باعث تباهی آن می‌شود.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: او دوست‌داشتن را به گم کردن تشبیه می‌کند که همه چیز را باید در خود آن

جستجو کرد. شاعر مرگ را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی می‌پذیرد و عشق را در آیینۀ آن می‌بیند؛ همچنین عشق را

جادویی زیبا و والا می‌داند که انسان را به‌سوی تعالی رهنمون می‌کند.

۲-۲

نَفَسِ روشن باد!

این دگر معجزِ تو بود ای عشق!

همتت یاری کرد

که در این ظلمت‌جای

صبح را بر قلمم جاری کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۹۹)

مهربانی و سخاوت: شاعر معتقد است معجزه مهر و عشق، او را از دل تاریکی‌ها به سمت صبح و روشنایی کشیده است.

دوست‌داشتن و دوست داشته شدن: عشق به محبوب، شاعر را به خلق زیبایی وامی‌دارد. در مجموع بازتابی از قدرت

عشق در روشن کردن تاریکی‌ها و دمیدن امید به زندگی است و نشان‌دهنده نقش عشق در ارتقای کیفیت زندگی انسان است.

۳-۲

اگر می‌شد صدا را دید

چه گل‌هایی!

چه گل‌هایی!

که از باغ صدای تو

به هر آواز می‌شد چید.

اگر می‌شد صدا را دید... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

مهربانی و سخاوت: شاعر عاشقانه از صدای محبوب حرف می زند و می پندارد که صدای او همچون باغی پرگل است.
دوست داشتن و دوست داشته شدن: این جملات عاشقانه، نشان از دوست داشتن محبوب دارد.

۴-۲

نخست، عشقی ست سبز
و عشق، در قلب سرخ
و قلب، در سینه پرنده ای می تپد
که با دل و عشق خویش
همیشه را خرم است
پرنده بر ساقه ای ست
و ساقه بر شاخه ای
درخت در بیشه ای
و بیشه در ابر و مه
و ابر و مه گوشه ای ز عالم اعظم است.
کنون به دست آورید
مساحت عشق را

که چندها برابر عالم است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۱۸)

مهربانی و سخاوت: او مهر و عشق را فراتر از عالم می داند و معتقد به لایتناهی بودن آن است.
دوست داشتن و دوست داشته شدن: از نظر شاعر گویی اولین چیزی که در این جهان وجود داشته، عشق و دوست داشتن بوده است.

نتیجه گیری

در دیدگاه مثبت اندیشی مارتین سلیگمن، رافت و عشق از مهم ترین مولفه های خوشبختی و شادکامی هستند که به انسان کمک می کنند تا با دیگران و دنیای اطراف خود ارتباط عمیق تری برقرار کند. اشعار شفیع کدکنی به زیبایی تصویری از رافت و عشق را به نمایش می گذارد و بررسی اشعار او نشان می دهد که این فضیلت در آثار او جایگاه ویژه ای دارد و می تواند برای مخاطب الهام بخش باشد. می توان گفت فضیلت رافت و عشق در دفتر شعر «آینه ای برای صداها» مشهودتر است. همچنین غزل های او از بسامد بیشتری از این فضیلت برخوردار است؛ چراکه غزل قالب مناسبی برای بیان عشق و احساسات است و شاعران فارسی از گذشته تا به امروز از این قالب برای بیان این مفاهیم عمیق انسانی استفاده کرده اند.



ISC^{CM}

International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

منابع

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، آئینه‌ای برای صداها، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، هزاره دوم آهوی کوهی، تهران: سخن.

سلیگمن، مارتین، (۱۳۹۵)، شادمانی درونی (روانشناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار)، تهران: دانژه.